

صفحات 360 و 361 : کلیک کنید

متن پیاده سازی شده جلسه هفتم سال چهارم درس خارج فقه القضا 18 مهر ماه 1400

بسم الله الرحمن الرحيم

آنچه گذشت

بحث ما در تحقیق در مساله حاکمیت سیستم امارات قانونی یا دلائل معنوی بود، عرض کردیم بهترین منبع برای فهم این سیستم عقل، قرآن و روایات است. از عقل و قرآن مطالب را بیان کردیم و رسیدیم به روایات، برخی روایات گذشت اگر خواسته باشیم یک خلاصه ای از آن روایات بیان کنیم باید بگوییم در آن روایات هم نشانه هایی از سیستم امارات قانونی دیده می شود و هم نشانه هایی از سیستم دلائل معنوی، فلذا باید بعدا ببینیم آیا می توانیم اصلی در اینباره تاسیس کنیم یا نه؟ ولی نمی خواستیم بدون آگاهی لازم و کامل بحث را برگزار کرده باشیم. چهار روایت گذشت و روایاتی مانده است. روایت پنجم هم خوانده شد و لی توضیحاتش ماند.

امتداد مراجعه به نصوص

● حدیث پنجم

روایت جد ضمرة بن ابی ضمرة

اگر برگه را دارید صفحه 359 و عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ عَنْ (إِسْمَاعِيلَ بْنِ أَبِي أُوَيْسٍ عَنْ ضَمْرَةَ بْنِ أَبِي ضَمْرَةَ) عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ قَالَ: مُشْكِلٌ أَيْنَ رَوَايَتِ مِثْلِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، اسمعيل بن ابی اویس، ضمرة، پدرش وجدش هستند و از این جهت روایت نامعتبر است. اما بودن روایت در مثل کافی، تہذیب و خصال آن را در حکم معتبر قرار می دهد، چون خیلی ها می گویند روایت در کافی بیاید معتبر است در کتب اربعه بیاید معتبر است. به نظر ما هم اینگونه روایات را نباید زود گذر کنیم طبق مبنای رجالی ما که مبنای مشهور هم هست اینگونه روایت ها را به خاطر معنای فاخری که دارد (نمی گویم صدورش از غیر معصوم نا ممکن است اما کار هر کسی نیست) و روایت چیزی هم خلاف قاعده القاء نمی کند. روایت از آن روایت هایی است که فقیه در فقه باید مد نظر قرار دهد و از آن روایاتی است که نیازمند توضیح است. متن روایت را با هم پشت سر می گذاریم.

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَرَمَوْا: أَحْكَامُ الْمُسْلِمِينَ عَلَى ثَلَاثَةِ أَحْكَامٍ مُسْلِمِينَ أَوْ فَتْحِهِ هَمْزَ بَخْوَانِيمَ بِه قَرِينَهُ بَعْدَ عِنَى أَحْكَامِي كَهْ دَر قَضَاوَتِ قَرَارِ مِي كِيرِد، حالا اگر کسی احکام را به کسر همزه بخواند به معنی حکم کردن، داوری کردن و قضاوت کردن می شود؛ هر چند باید ببینیم این عبارت چقدر در عرب مانوس است شَهَادَةَ عَادِلَةٍ بِرِ اسَاسِ شَهَادَتِ مِي چَرخِد چَه قَضَاوَتِ وَ چَه غَيْرِ آن، عرض کردم این روایت بیشتر با قضاوت سازگار است حداقل قدر مسلم آن قضاوت است. عاِده نيز صِفَتِ شَهَادَتِ اسْتِ نَه صِفَتِ شَهَادَتِ دَهْنِدَه أَوْ يَمِينِ قَاطِعَةٍ بَخْشِي بِا قِسْمِ اسْتِ قَاطِعِ وَ سُنَّةِ مَاضِيَةٍ مِنْ أُمَّةِ الْهُدَى وَ يَكِ رَوِيَه جَارِي از ائمه هدی (امروزه هم می گویند رويه قضايي). احکام مسلمين بر اين سه محور می چرخد.

● تبیین مفاهیم روایت



کلینی از دو نفر روایت می نماید؛ بعد هم ابراهیم بن هاشم و هم فضل بن شاذان از ابن ابی عمیر نقل می کنند، باز در این جا دو نفر هستند. در نسخه تهذیب آمده است عن سعد وهشام خوب این فرق می کند سعد از هشام یا سعد و هشام از امام صادق علیه السلام. ما معتقدیم عطف درست است یعنی سعد از امام صادق علیه السلام و هشام هم از امام صادق علیه السلام نقل کرده است. تهذیب را ببینید از نظر رجالی دقیق تر است در هر صورت چرا معطل کنیم روایت معتبر است. قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِمَانٌ مَرْدَمٌ مِنْ قِضَاوَتِمْ بَيْنَ شِمَا بَرِ اسَاسِ نَشَانِهِ هَا وَقِسْمِ هَا اسْت. نگویند بینات جمع بینه است و بینه یعنی دوتا عادل، چهارتا عادل، بلکه بگویند بینات یعنی امور روشن هر چند ممکن است علم آور هم نباشد ولی عرفا بینه حساب شود، امر روشن حساب شود، همان که امروزه می گویند شواهد و قرائن مثل معاینات محل، آزمایشات و..... وَبَعْضُكُمْ أَلْحَنُ بِحُجَّتِهِ مِنْ بَعْضٍ بعد حضرت فرمودند: من بر این اساس مامورم بین شما قضاوت کنم. حالا خودم عالم به غیب هستم اطلاع در موضوعات دارم یا نه، بر آن اساس ها قضاوت نمی کنم. حضرت می خواهند مسلمانان را دغدغه مند کنند که فکر نکنید برای قضاوت پیش رسول خدا صل الله علیه وآله رفتیم تمام شد. ممکن است برخی الحن باشند بر برخی دیگر در اقامه حجت، اما آن دیگری قادر نباشد. من بر اساس بینات قضاوت می کنم اما قضاوت من واقع را عوض نمی کند فَأَيُّمَا رَجُلٍ قَطَعْتُ لَهُ مِنْ مَالِ أَخِيهِ شَيْئًا - فَأَيُّمَا قَطَعْتُ لَهُ بِهِ قِطْعَةً مِنَ النَّارِ. (وسائل الشیعة؛ ج 27، ص: 232)

سند معتبر است؛ جناب کلینی، شیخ طوسی و شیخ صدوق نقل کردند و در تفسیر امام حسن عسگری علیه السلام (تفسیرمنسوب به ایشان) هم این روایت را داریم. به نظر می رسد نباید تامل کرد در صدور چنین متنی از رسول خدا صل الله علیه و آله وسلم اما این حدیث چه بیان می کند؟ در این حدیث مقصود اصلی این است که حضرت بفرمایند قضاوت من واقع را عوض نمی کند بلکه قضاوت بر اساس بینات و ایمان است. بینات یعنی دلائل روشن ولی چون دو عادل هم قطعا بینه می شود امارات قانونی را می گیرد، قسم هم حتما اماره قانونی است چون گاهی قسم هیچ علمی نمی آورد. بر همین اساس این حدیث سیستم امارات قانونی را کامل تایید می کند. حالا برخی از آقایان حقوقدان شلوغ کردن که آقا این رویه منسوخ شده؛ در دنیا اینطور نیست در روایات ما هم که می بینید نسخ نشده و تایید هم شده است.

#### ● آیا این امارات در فرض علم و اطمینان به خلاف هم معتبر است؟

فقط یک چیز است، آیا این امارات در فرض علم و اطمینان به خلاف هم معتبر است؟ والا در اینکه مشروط به علم و اطمینان نیست نباید شک کرد. اما آیا مشروط به نبود علم به خلاف هم هست. از این احادیث چیزی در نمی آید و اگر ما بودیم همین احادیث باید می گفتیم حتی در موارد علم به خلاف، قاضی چه کار دارد. به خاطر اینکه قاضی بخواهد علمش را وسط بیاورد سلیقه ای می شود، سنگ روی سنگ بند نمی شود یا اینکه قاضی متهم می شود. اما باز صبر کنید در جای خودش می گوئیم اگر یک وقت به گونه ای شود که یقین دارد به غیر ما أنزل الله حکم می کند، آیاتی که دستور می دهد فَأَحْكُمْ بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ (المائدة، الآية 48)، فَأَحْكُمْ بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ (ص، الآية 26) آن ها چه می شود؟ این ها یک بحث دیگر است صبر کنید ان شاءالله نسبت به مسئله علم قاضی می رسیم. شرطیت علم قاضی را کنار بگذارید بلکه مانعیت علم قاضی را بحث کنید. در سیستم قضایی اسلام شرطیت علم قاضی و اطمینان قاضی را فاکتور بگیرید که همه جا باید عالم باشد یا اطمینان بیابد. اما اینکه علمش مانع است از بحث های مهم ما است که خواهد آمد. این هم حدیث ششم که روایات مشابه دارد.

#### ● حدیث هفتم

مجموعه احادیث الْبَيِّنَةُ عَلَى مَنْ ادَّعَى وَ الْيَمِينُ عَلَى مَنْ ادَّعِيَ عَلَيْهِ

و اما روایت هفتم اگر برگه را داشته باشید صفحه 361 اینجا دیگر روایت را تک تک نیاوردم. دیدم مجموعه ای از روایات داریم همه با مضمون واحد قطعا هم صادر شده یا مطمئنا صادر شده، موثوق به است. ضمن اینکه برخی موارد سند هم ثقة است یعنی هم خبر ثقة است و هم موثوق الصدور است. لذا نوشته گروه روایاتی که مضمونش این است البينة للمدعى واليمين على من ادعى عليه بعدى ها آمده اند مختصر کردند البينة للمدعى واليمين على من انكر، البته بين من انكر با من ادعى عليه تفاوت است يك وقت كسى ادعى عليه است اما منكر نیست؛ بلکه ادعای جهل به موضوع و بی خبری می کند ولی علیه او ادعا شده

اما گاهی وقت ها منکر است رد می-کند می گوید خیر اینگونه نیست به هرصورت هر دو تعبیر است. در روایت همین که الان داریم مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ جَمِيلٍ وَهَشَامِ بْنِ سَنَدٍ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الْبَيِّنَةُ عَلَى مَنْ ادَّعَى وَالْيَمِينُ عَلَى مَنْ ادَّعِيَ عَلَيْهِ. (وسائل الشيعة؛ ج 27، ص: 233) روایت بعدی وَ عَنْهُ يَعْنِي عَلِيَّ بْنَ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ بُرَيْدِ بْنِ مُعَاوِيَةَ سَنَدِ ابْنِ رَوَيْتِ هَمْ عَالِي اسْت عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْقَسَامَةِ سَوَالِ كَرْدَمِ اَز قَسَامَةِ كِه پَنجَاه نَفَر قَسَم مِي خُورَنَد دَر مَوَارِدِي كِه دَر كِتَاب قِصَاص اسْت فَقَالَ الْحَقُّوقُ كُلُّهَا دَعَاوِي مَدَنِي هَمِه اَش دَر اَبِن جَمَلِه اسْت الْبَيِّنَةُ عَلَى الْمُدَّعِي وَالْيَمِينُ عَلَى الْمُدَّعَى عَلَيْهِ إِلَّا فِي الدَّمِ خَاصَّةً الْحَدِيثَ. (وسائل الشيعة؛ ج 27، ص: 234) مِي دَانِيد دَر اَمُور مَالِي مَدَعِي بَايَد بَيْنِه بِيَاوَرَد وَ اَلَا مَدَعِي عَلَيْهِ قَسَم مِي خُورَد كَار تَمَام اسْت. اَمَا دَر مَوَارِدِ خُون كِه قَدَر مَسْلَم اَن قَتْل اسْت؛ اَبِنجَا مَدَعِي قَسَم مِي-خُورَد. بِه مَنكَر نَمِي گُويَنَد قَسَم بَخُور. دَر هَمِين حُد صَبِر كَنِيَد . اَبِن رَوَايَت هَمْ مَعْتَبَر اسْت.

#### ● آیا این احادیث حاکمیت سیستم دلائل معنوی یا حاکمیت سیستم امارات قانونی را می گوید؟

اگر بینه را امر روشن معنی کنیم که قاضی را قانع کند این دلائل معنوی است؛ ولی مسلم از فهم اصحاب نمی گذریم. بر فرض که بینه امر روشن را بگیرد، شهادت دو عادل را هم می گیرد. با اینکه شهادت دو عادل گاهی هیچ قراری برای قاضی نمی آورد آن طرف هم که قسم را داریم؛ بنابراین این مجموعه روایات دلالت بر امارات قانونی می کند. خود قسامه پنجاه تا قسم برای قتل خطا، بیست و پنج قسم.... گاهی اطمینان نمی آورد ولی بله اگر مقام قضایی اطمینان به خلاف دارد یک پروژه دیگری است که باید بررسی شود.

اما آنچه مسلم است عدم شرطیت علم قاضی است. برخی روایات است که اجازه بدهید جلسه آینده بررسی نماییم.

فایل پیاده سازی شده : [کلیک کنید](#)